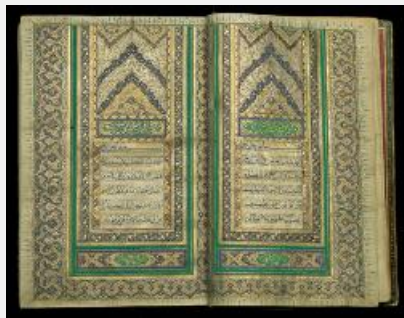


## پیشگامان علوم گوناگون قرآن از شیعه



اولین تصنیف کننده در علم تفسیر قرآن سعید بن جبیر تابعی بوده است و او اعلم تابعین بوده، همان طور که سیوطی در «إتقان» از قتاده حکایت کرده، و تفسیر وی را ذکر نموده است، و او را ابن ندیم در «فهرست» آنجا که کتب مصنفه در تفسیر را ذکر می کند آورده است، و از احدی قبل از او تفسیری ذکر نکرده است. شهادت او در سنه نود و چهار از هجرت بوده است.

ابن جبیر از شیعیان خالص بوده است. بر این مطلب علمای ما در کتب رجال همچون علامه جمال الدین ابن مطهر در «خلاصه»، و أبو عمرو کثیری در کتاب خود در رجال آورده، و روایاتی را از ائمه: در مدحش و تشیّعش و استقامتش روایت نموده است. علت کشته شدن او توسط حجاج بن یوسف ثقفی چیزی نبود مگر همین امر، یعنی تشیّع او. حجاج او را در سنه 94 به شهادت رساند.

پس از سعید بن جبیر جماعتی از تابعین از شیعه در تفسیر قرآن دست به تصنیف زدند:

از ایشان است سدی کبیر: اسمعیل بن عبدالرحمن کوفی ابومحمد قرشی متوفی در سنه یکصد و بیست و هفت. سیوطی در «اتقان» گوید: أمثلُ التفاسیر تفسیرُ اسمعیل سدی . پیشوایانی در تفسیر همچون ثوری و شعبه از وی روایت کرده‌اند.

تفسیر او را نجاشی ، و شیخ ابو جعفر طوسی در فهرست اسامی مصنفین شیعه ذکر کرده‌اند. و ابن قتیبه در کتاب «معارف» و عسقلانی در «تقریب» و «تهذیب التهذیب»، تنصیب بر تشیّع وی نموده‌اند. سدی از اصحاب امام علی بن الحسین و امام باقر و امام صادق است.

و از ایشان است محمد بن سائب بن بشر کلبی صاحب تفسیر کبیر مشهور.

او را ابن ندیم در جانی که از کتب مُصنّفه در تفسیر قرآن نام می برد ذکر نموده است. و ابن عدی در «کامل» گفته است: کلبی دارای احادیث صالحه‌ای می باشد بالخصوص از ابوصالح. وی در تفسیر معروف است، و هیچ کس نظیر وی تفسیری طولانی ، و سیر و اشباع کننده ندارد. سمّعی گوید: محمد بن سائب صاحب تفسیر از اهل کوفه بود، و قائل به رجعت بود، و پسرش هشام دارای نسبی عالی ، و در تشیّع غالی است.

وفات او در سنه یکصد و چهل و شش از هجرت مبارکه بوده است.

و از ایشان است جابر بن زید جعفی پیشوا در تفسیر. وی از امام باقر علیه‌السلام أخذ کرده است و از منقطعین به سوی وی بوده است. تفسیر قرآن کریم را تصنیف کرد و غیر تفسیر را نیز نوشت. او در سنه یکصد و بیست و هفت پس از هجرت وفات یافت. و تفسیر او غیر از تفسیر امام باقر است که آن را ابن ندیم آنجا که از کتب مُصنّفه در تفسیر نام می برد، ذکر نموده است.

ابن ندیم گفته است: کتاب تفسیر امام باقر محمد بن علی بن الحسین را از او ابوالجارود: زیاد بن منذر رئیس جارودیّه زبیده روایت کرده است.

قبل از آنکه ابوالجارود زبیدی مذهب گردد، یعنی در عصر استقامت او جماعتی از موثقین شیعه، مانند ابو بصیر یحیی بن قاسم اَسدی و غیر او آن را روایت نموده‌اند.

اولین کس که در علم قرائت تصنیف کرده است، و علمش را تدوین و قرائات را جمع کرده است، اَبانُ بْنُ تَقْلِبِ رَبِعی أَبُو سعید (یا اَبُوامیْمَه) کوفی بوده است. نجاشی در فهرست اَسْمَاءِ مُصنّفین شیعه گفته است: اَبانُ ؛ در هر فنی از علوم قرآن و فقه و حدیث، مقدم بوده است. اَبانُ خود در میان قُرّاء صاحب قرائت مشهوری مختصّ به خود می باشد. در اینجا نجاشی ، اسناد خود را از محمد بن موسی بن ابومریم صاحب لولو از اَبان در روایت کتاب مُتّصل می نماید.

و ابن ندیم در «فهرست»، تصنیف اَبان را در قرائت ذکر نموده است و گفته است: او کتاب لطیفی در معانی قرآن دارد، و کتاب القراءه، و کتابی از اصول روایت بنا بر مذهب شیعه تصنیف نموده است - انتهى .

پس از اَبان، حَمَزَةُ بْنُ حَبِیبِ که یکی از قُرّاء سَبْعَه می باشد، کتاب قرائت را تصنیف نمود. ابن ندیم گوید: کتاب القراءه از حمزه بن حبیب می باشد، و او یکی از هفت قاری از اصحاب امام صادق است - انتهى . و شیخ ابوجعفر طوسی در کتاب «رجال» وی را در اصحاب امام صادق علیه‌السلام اَیضاً ذکر کرده است. و به خطّ شیخ شهید محمد بن مکی ، از شیخ جمال الدین: احمد بن محمد بن حدّاد حلی این عبارت زیر یافت شده است: کسانی قرآن را بر حمزه قرائت نمود، و حمزه بر ابوعبدالله امام صادق، و او بر پدرش، و پدرش بر پدرش، و او بر علی بن اَبیطالب امیرالمومنین: قرائت کرده است.

حمزه همچنین قرآن را بر اَعْمَش و بر حَمْران بن اَعْنَن که هر دوی ایشان از شیوخ شیعه بوده‌اند قرائت نموده است، و سابقه ندارد که: پیشتر از اَبان و حمزه احدی در قرائات تصنیفی به عمل آورده باشد، به سبب آنکه ذهبی و غیر او از کسانی که در طبقات قراء چیزی نگاشته‌اند همگی تصریح کرده‌اند بر آنکه اول کس که در قرائات تصنیف نموده است ابوعبید قاسم بن سلام متوفی در سنه 224 بوده است و شكّ نیست که اَبان بر او تقدّم دارد، زیرا ذهبی در «میزان»، و سیوطی در «طبقات» تصریح کرده‌اند که: او در سنه 141 وفات یافته است. بنابراین، او بر ابوعبید، هشتاد و سه سال مقدم می باشد. و همچنین حمزه بن حبیب، چرا که تنصیب کرده‌اند که: وی در سنه هشتاد متولد گردید، و در سنه 156 و یا 154، و یا 158، که این احتمال اخیر غلط است بدورد حیات گفت.

در هر حال، شیعه اولین کسانی هستند که در قرائت تصنیف کرده‌اند، و این مطلبی نیست که بر همچون حافظ ذهبی ، و حافظ شام: سیوطی پنهان باشد، لیکن چون آنان خواسته‌اند از اولین مصنّف در قرائات از اهل سَمْت یاد کنند، نه به طور اطلاق، بدان گونه تمسّی نمودند.

و از آنان که در تصنیف در قرائت شیعه بوده و بر ابوعبید سبقت دارند، جماعتی دگرند، مثل ابن سعّادان: اَبی جعفر محمد بن سعّادان صرّیر (نابینا)، و مثل ابوجعفر محمد بن حسن بن اَبی ساره زواسی کوفی استاد کسانی و فراء از خواصّ حضرت امام باقر علیه‌السلام، و مثل زید شهید، چرا که او صاحب قرائتی می باشد از جدش امیرالمومنین که آن را عمر بن موسی زحّی روایت نموده است.

در اوّل کتاب قرائت زید گفته است: این قرائت را من از زید بن علی بن الحسین ابن علی بن اَبیطالب: شنیدم، و عالمتر به کتاب خدا از ناسخ و منسوخش، و مشککش و اعرابش از وی ندیده‌ام. و کسانی که در امور گوناگون از مطالب و معانی قرآن تصنیف کرده‌اند و مقدم بر همه بوده‌اند عبارتند از:

اَبانُ بْنُ تَقْلِبِ کتاب «معانی القرآن» را تصنیف کرد، و پیش از او احدی را نیافتم که چیزی نوشته باشد.

عبدالله بن عبدالرحمن اصمّ مَسْمَعی بصری از شیوخ شیعه از اصحاب اَبی عبدالله امام صادق علیه‌السلام اولین کسی است که کتابی در «ناسخ و منسوخ» تدوین کرد، و بعد از وی دارم بن قبیصه بن نَهْشَل بن مجمع ابوالحسن تمیمی دارمی از مشایخ صدر اوّل از شیعه بود، و وی عمر کرد تا حضرت امام رضا علیه‌السلام را ادراک کرد و در اواخر قرن دوم رحلت یافت. کتاب «الوَجُوهُ وَ التَّلَاثُ» و کتاب «التاسخ و المنسوخ» از اوست. آن دو نفر را نجاشی در ترجمه وی در فهرست اَسْمَاءِ مُصنّفین از شیعه ذکر کرده است. و پس از آن دو، در این باره حسن بن علی بن فضال که از اصحاب امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام بود تصنیف کرد، و او در سنه دویست و بیست و چهار وفات کرد. و دیگر شیخ اعظم احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی از اصحاب امام رضا، و وی حیات داشت

تا حضرت امام أبومحمد حسن عسکری را ادراک نمود.

اولین کس که در نوادر قرآن تصنیف کرد، علی بن حسین بن فضال یکی از شیوخ شیعه در قرن سوم بود. ابن ندیم در «فهرست» گفته است: و کتاب شیخ علی ابن ابراهیم بن هاشم در نوادر قرآن، و وی شیعی بوده است، و کتاب علی بن حسن ابن فضال از شیعه، و کتاب أبونصر (ابونصر - ظ) عیاشی از شیعه بوده است - انتهى .

اولین کس که در متشابهة القرآن تصنیف کرده است، حمزة بن حبیب زبّات کوفی ، از شیعیان ابوعبدالله امام صادق و از اصحاب او بوده است. وی در سنة یکصد و پنجاه و شش در خلوان بدرود زندگی گفته است.

اولین کس که در مقطوع القرآن و مؤصوله تدوین کرده است، شیخ حمزة بن حبیب است، و او را محمد بن اسحق معروف به ابن ندیم در «فهرست» ذکر کرده است.

اولین کس که برای مضعف نقطه گذاری کرد و اعراب داد و آن را از تحریفی که در اکثر کتب راه یافته است محفوظ داشت، أبوالاسود ذلی بود، و در بعضی از کتب آمده است: شاگرد او یحیی بن یعمر غدوانی بود، و قول اول اصح می باشد. و هر کدام درست باشد بالاخره فضیلت و برتری از شیعه است. زیرا که هر دوی آنان به اتفاق جمیع آراء شیعه بوده اند.

اولین کس که در مجاز القرآن تصنیف کرد، فراء: یحیی بن زیاد متوفی در سنة دویست و هفت بوده است. وی از ائمة علم نحو بوده است، و مولی عبدالله أفندی در «ریاض العلماء» تنصیب نموده است که: او از شیعه امامیه بوده است، و پس از آن گفته است: گفتار سیوطی که فراء میل به مذهب اعتزال داشته است، شاید ناشی از خلط اکثر علماء جمهور و عامه میان اصول شیعه و اصول اعتزال باشد، وگرنه او شیعی امامی است - انتهى .

درباره مجازات قرآن جماعتی تصنیف کرده اند، و بهترین آنها کتاب «مجازات القرآن» سید شریف رضی موسوی برادر سید مرتضی می باشد.

اولین کس که در مثالهای قرآن تصنیف نموده است، شیخ جلیل محمد بن محمد بن جئید است. ابن ندیم در «فهرست» در آخرین تسمیه کتب مؤلفه در علوم و معانی مختلفه قرآن بدین عبارت گویاست: «کتاب الامثال» از ابن جئید می باشد - انتهى . و من برخورد نکرده ام به کسی که قبل از او مثل آن را تصنیف کرده باشد.

اولین کس که در فضائل قرآن تصنیف کرده است، ابی بن کعب أنصاری صحابی است. ابن ندیم در «فهرست» بر آن نص دارد. و گویا جلال الدین سیوطی بر تقدّم ابی در این باره اطلاع پیدا نموده است، و گفته است: اولین کسی که در فضائل قرآن تصنیف نموده است، امام محمد بن ادریس شافعی متوفی در سنة دویست چهارم می باشد .

سید علی بن صدرالدین مدنی صاحب «سلافة العصر»، در کتاب طبقات خود یعنی کتاب «الدرجات الرفیعة فی طبقات الشیعة» تنصیب بر تشیع ابی بن کعب دارد. و أدله و شواهد بسیار بر تشیع وی اقامه فرموده است. و من نیز بیشتر از أدله و شواهد وی در کتاب اصل: «تأسیس الشیعة لعلوم الإسلام» از نزد خود بر آن افزودم.

و اولین کس که در أسباع قرآن (جزای آن) کتاب تصنیف کرد، و در حدود و مواضع آیات آن کتاب نگاشت حمزة بن حبیب کوفی زبّات (روغن فروش و یا روغن گیر) بود. وی یکی از قراء سبعة از شیعه می باشد، همچنانکه تنصیب بر این معنی از مشایخ گذشت. کتاب «أسباع القرآن» و کتاب «حُدود آی القرآن» را ابن ندیم در «فهرست» برای همین حمزة مذکور ذکر نموده است.

عبدالله بن عباس، اولین کس می باشد که از شیعه، ائمه تفسیر قرآن را کرده است. جمیع علمای ما نص بر تشیع او کرده اند، و در احوال وی ترجمه نیکوئی سید در کتاب «الدرجات الرفیعة فی طبقات الشیعة» ذکر کرده است. وی در سنة 67 در طائف وفات یافت، و چون مرگ وی در رسید گفت:

اللهم إني أتقرب إليك بولائي لعلني بولائي أبيض على السلام. «بار پروردگارا! من حقاً به ولایتی که از علی بن ابیطالب علیه السلام دارم به تو تقرب می جویم!»

جابر بن عبدالله أنصاری صحابی و وی از طبقه نخستین از مفسرین است که أبوالخیر ذکر کرده است. فضل بن شاذان نیشابوری که از صحابه حضرت امام رضا علیه السلام می باشد گوید: جابر بن عبدالله أنصاری سلام الله علیه از جمله سابقینی است که به امیرالمومنین علی بن ابیطالب علیه السلام بازگشته اند. و ابن عقده جانی که منقطعین به سوی اهل بیت را ذکر کرده است، آورده است. وی در مدینه بعد از سنة هفتاد از هجرت فوت کرد، و نود و چهار سال عمر نمود.

ابی بن کعب سید القراء او را از طبقه اولین مفسرین از صحابه شمرده اند. و همان طور که دانستی از شیعیان بوده است. ترجمه احوال وی در «الدرجات الرفیعة فی طبقات الشیعة» آمده است.

و بعد از این طبقه صحابه، مفسرین شیعه که از تابعین می باشند عبارتند از:

سعید بن جبیر أعلم تابعین در تفسیر به گواهی قتاده همان طور که در «إتقان» ذکر کرده است، و گذشت ذکر او و تشیع او.

یحیی بن یعمر تابعی أحد اعلام شیعه در علم قرآن. ابن خلکان گفته است: وی یکی از قراء بصره بوده است، و عبدالله بن اسحق قرائت را از وی اخذ نموده است. او عالم بود به قرآن کریم، و نحو، و لغات عرب. نحو را از أبوالاسود ذلی فرا گرفت. و از شیعیان طبقه نخستین بود که قائل به تفضیل اهل بیت بدون تنقیص ارباب فضل از غیرشان بوده اند .

أبو صالح که مشهور به کنیه خود می باشد. وی شاگرد ابن عباس است در تفسیر. نامش میزان بصری تابعی شیعی است. بر تشیع و وثاقت او شیخ مفید: محمد بن محمد بن ثمان در کتاب «الکافیة فی إبطال توتیة الخاطئة» بعد از نقل حدیثی از او از ابن عباس گواهی و تنصیب نموده است. أبوصالح بعد از سنة یکصد وفات یافت.

طاووس بن کیسان أبوعبدالله یمانی ، علم تفسیر را از ابن عباس اخذ کرده است. و به طوری که در «اتقان» آمده است: شیخ احمد بن تیمیه او را از أعلم مردم در علم تفسیر شمرده است. ابن قتیبه در کتاب «معارف» تصریح به تشیع او نموده است. در کتاب «معارف» طبع مصر در صفحه 206، ابن قتیبه گوید: شیعه عبارتند از حارث أغور، و صعصعة بن صوحان، و أصبغ بن نباته، و عطیة عوفی ، و طاووس، و أعمش.

طاووس در مکه سنة یکصد و شش وفات کرد، و از منقطعین به امام علی بن الحسین علیهما السلام بود.

أعمش کوفی : سلیمان بن مهران أبومحمد أسدی ، و گذشت که ابن قتیبه، و شهرستانی ، نص بر تشیع او نموده بودند، و از علماء ما شیخ شهید ثانی زین الدین در حاشیه «خلاصه»، و محقق بهبهانی در «تعلیق» ، و میرزا محمد باقر داماد در «رواشح» تصریح بدین مطلب دارند.

سعید بن مسیب از امیرالمومنین علیه السلام و ابن عباس اخذ نموده است. او دست پرورده امیرالمومنین علیه السلام می باشد. همیشه با آن حضرت مصاحبت داشته و مفارقت نمی نمود و در تمام جنگهایش حضور داشت. و همان طور که در جزء ثالث کتاب «قرب الاءسناد» حمیری وارد است: حضرت امام صادق و امام رضاعلیهما السلام بر تشیع وی تنصیب نموده اند. او امام قراء در مدینه بود.

از ابن مدینی نقل شده است که گفته است: من در میان تابعین به گسترش علم او احدی را نمی شناسم. بعد از سنة نود در هنگامی که عمرش به هشتاد سال می رسید بدرود حیات گفت.

أبوعبدالرحمن سلمی شیخ قرائت عاصم است. ابن قتیبه گوید: او از اصحاب علی علیه السلام بوده است. و از استادان و معلمان قرائت قرآن بود، و فقه را از او اخذ می کرده اند.

و من می گویم: ابو عبدالرحمن سلمی قرآن را بر امیرالمومنین علیه السلام خوانده است و از او تعلیم یافته است، به طوری که در «مجمع البیان» طبرسی وارد می باشد. و شیخ برفی در کتاب «رجال»، او را از خواص علی بن ابیطالب علیه السلام در میان طائفة مضر دانسته است. مرگش بعد از سنة هفتاد بود.

سُدّی کبیر صاحب تفسیری که ذکرش گذشت.

محمد بن سائب بن بشر کلبی صاحب تفسیری که ذکرش اینجا گذشت.

حَمْران بن أعین، برادر زبّان بن أعین کوفی مولی آل شیبان از ائمة قرآن می باشد. وی از حضرت امام زین العابدین و حضرت امام باقر علیهما السلام اخذ کرده است، و پس از سنة صد رحلت یافت.

أبان بن تغلب که ذکرش گذشت، و در هر فنی جلودار و معلم بود. وی قرائت قرآن را از أعمش که وی از اصحاب امام سجّاد: علی بن الحسین، و امام باقر علیهما السلام اخذ کرده است. و افتاد در سنة 141 می باشد.

عاصم بن بهدلة یکی از قراء سبعة می باشد که قرآن را بر ابو عبدالرحمن سلمی قاری ، و او بر امیرالمومنین علیه السلام قرائت نموده است. و بدین جهت است که قرائت عاصم در نزد علمای ما

محبوبترین قرائتها به حساب می آید. بر تشیع او شیخ عبدالجلیل رازی متوفی در سنه 556 در کتاب خود: «نقضُ القضاخ» تنصیب کرده است، و تصریح کرده است که او مقتدای شیعه بوده است. عاصم در سنه یکصد و بیست و هشت در کوفه وفات کرد، و بعضی گفته‌اند: در سماوه در حالی که اراده رفتن به شام را داشت رحلت نمود، و در آنجا مدفون گردید. وی مانند اَعْمَش نابینا بود، و بر تشیع وی قاضی نورالله مرعشی در «مجالس المومنین» تصریح کرده است.

این جماعت را که ذکر کردیم در طبقات صحابه و تابعین، از استادان قرآن به‌شمار می آیند.

و اما پس از این طبقه که تابعین تابعین می باشد، اهم آنها عبارتند از:

أبو حمزة ثمالی : ثابت بن دینار شیخ شیعه در کوفه. ابن ندیم در «فهرست» خود گوید: کتاب تفسیر اَبی حمزة ثمالی . وی از اصحاب امام علی بن الحسین، و از نجباء و ثقات بوده است، و با امام محمد باقر أبوجعفر مصاحبت داشته است- انتهى . أبوحمره در سنه یکصد و پنجاه رحلت نمود.

أبویصیر یحیی بن قاسم أسدی مقدّم در فقه و تفسیر بوده، و دارای مصنف معروفی بوده است. نجاشی او را ذکر کرده است، و اسناد روایتی خود را به تفسیر وی متصل ساخته است. أبو بصیر در زمان حیات حضرت امام صادق علیه‌السلام بدرد زندگی گفت. و رحلت آن حضرت در سنه 148 می باشد.

بَطَّانِي : علی بن سالم معروف به ابن اَبی حمزة أبوالحسن کوفی مولی أنصار. او دارای کتاب تفسیر قرآن می باشد. و در آن کتاب از امام ابوعبدالله صادق و امام ابوالحسن موسی کاظم، و أبو بصیری که ذکرش گذشت روایت می کند.

حصین بن مُخارق: أبوجنادة سُلَوی . ابن ندیم گفته است: وی از شیعیان متقدمین می باشد، و دارای کتاب «تفسیر»، و کتاب «جامع العلوم»، است - انتهى . نجاشی وی را ذکر کرده است، و کتاب «تفسیر»، و «قرائات»، و کتاب کبیری را از وی شمرده است.

کِسائی یکی از قاریان هفتگانه است. اموری در وی گرد آمده است: او در علم نحو عالمترین مردم، و در شناخت قرآن و غریب لغات از اُحودی مردم به شمار می رفت. ایرانی الاصل، و زادگاهش خاک عراق بوده است. من نام او را و دلائل تشیع او را در کتاب «تأسیس الشیعة لعلوم الاسلام» ذکر کرده‌ام. وی در ری، و یا در طوس، در هنگامی که در مصاحبت هارون‌الرشید بود در سنه 189، و یا در سنه 183، و یا در سنه 185، و یا در سنه 193، که اصح این تواریخ نخستین آنهاست ببرد.

و بعد از این طبقه، طبقه دیگر می باشند. در اینجا مرحوم صدر مفضلًا ترجمه احوال آنان و تصنیف و تدوینشان را در علوم مختلفه قرآن از شیعیان، از ابن سَعْدان بن سَعْدان بن مُبارک کوفی، تا ثَعْمَانی صاحب تفسیر معروف، و محمد بن عباس بن علی بن مَرْوان معروف به ابن حَجّام یکایکشان را ذکر می نماید، و سپس می فرماید: و از این به بعد کسانی که در علوم متنوعه و مختلفه قرآن تصنیف کرده‌اند، جماعتی هستند که از ایشان است:

محمد بن حسن شَیْبَان، شیخ شیخ مفید. وی کتاب «نهج البیان عن کشف معانی القرآن» را تدوین کرد، و تعداد علوم وارده در قرآن را به شصت نوع تقسیم کرد. این کتاب را به نام مُسْتَنْصِر خلیفه عباسی تصنیف نمود، و سیدمرتضی در کتاب «محکم و متشابه» خود از این کتاب نقل می کند.

و شیخ مفید: محمد بن محمد بن ثَعْمَان، معروف در عصر خودش به اَبْنُ الْمُعَلِّم. او شیخ شیعه و صاحب کرسی بود. دارای مصنفاتی می باشد که در فهرست مُصْتَفَاتش مذکور است. از جمله کتاب «البیان فی أنواع علوم القرآن». در محرم از سنه چهار صد و نه ارتحال نمود. این مطلب را از شیخ مفید، ما از خطیب در «تاریخ بغداد» نقل نمودیم.

و محمد بن احمد بن ابراهیم بن سلیم اَبی القُضَل صَوْلَی جَعْفَی کوفی . معروف به صابُونی صاحب کتاب «القاهر فی اللغه» دارای کتاب تفسیری است به نام «معانی تفسیر القرآن و تسمیة اصناف کلامه المجید». وی از مشایخ اصحاب ما شیعه امامیه می باشد. در مصر سکونت گزید، و همانجا در سنه سیصد رحلت نمود.

اولین تفسیری که تدوین شده و جامع جمیع انواع علوم قرآن بوده است، عبارت است از: کتاب «الرغیب فی علوم القرآن» و آن تصنیف ابوعبدالله محمد بن عَمَر واقدی می باشد. ابن ندیم نصّ بر تشیع او کرده است.

پس از آن کتاب «التبیان الجامع لکل علوم القرآن» در ده مجلد بزرگ تصنیف شیخ الطائفة: أبوجعفر محمد بن الحسن بن علی طوسی شیخ شیعه، تولدش در سنه 385، و در نجف اشرف در سنه 460 رحلت یافت. در ابتدای تفسیرش گفته است: او اولین کسی است که آن را جمع کرده است.

و کتاب «حقایق التزیل و دقایق التأویل»، و آن در ضخامت و کبر حجم همچون «تفسیر تبیان» می باشد. مُصَنِّف آن سید شریف رضی برادر سید مرتضی است. در این تفسیر از غرائب قرآن، و عجایبش، و خفایایش، و غوامضش پرده برداشته، و مشکلات اسرار و دقایق اخبارش را واضح و مبین نموده است.. در حقایق آن تحقیق به عمل آورده، و در تأویلات آن دقت نموده است. به طوری که کسی در این گونه تعبیر و تفسیر بر وی سبقت نگرفته است، و طائر بلند پرواز اندیشه احدی به اطراف آن حریم منبع پرواز نتوان نمود. ولیکن جامع جمیع علوم قرآن نیست.

سید رضی دارای کتابی می باشد به نام «المُتَشَابِه فی القرآن»، و کتابی به نام «مَجَازات القرآن». باید دانست که: عمر او از چهل و هفت سال تجاوز نکرد و در سنه 406 ارتحال یافت.

و تفسیر «رُوضُالجَنان و رُوحُ الجَنان فی تفسیرالقرآن»، در بیست جزء، تصنیف شیخ امام مقتدای شیعه: أبوالفتوح رازی حسین بن علی بن محمد بن احمد خَزاعی رازی نیشابوری می باشد. وی پس از قرن پنجم بدرد حیات گفت. و این جامع تفسیری از جامع «تبیان» شیخ طوسی متأخر است.

و کتاب «مجمع البیان فی علوم القرآن» در ده جزء تصنیف شیخ امین الدین أبوعلی : فَضَلُ بَنُ حَسَنِ بن فَضَلِ طبرسی متوفی در سنه پانصد و چهل می باشد. جامعی است که شامل تمام آنچه نیاورده‌اند می باشد، ولیکن خود در اول تفسیر تصریح کرده است که در آن، عیال و ریزه‌خوار «تبیان» شیخ طوسی می باشد.

و «خلاصة التفاسیر» در بیست جلد تصنیف شیخ قطب الدین راوَدی است، که مشحون است از حقایق و دقایق، و از بهترین تفاسیر متأخره از شیخ أبوجعفر طوسی محسوب می شود.